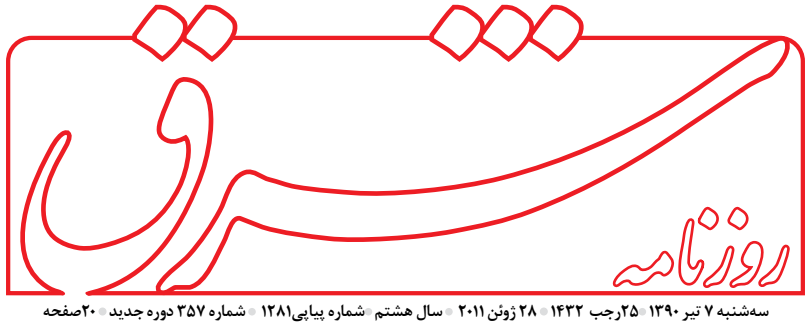




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزواتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، فکس: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن اگهی ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳-۵
چاپ: کاراپام تلفن: ۴۴۹۸۲۹۶۹
www.sharghnewsaper.ir
تهران: اذان ظهر ۸:۱۲:۰۰ اذان مغرب ۲۰:۴۵ اذان صبح فردا ۴:۰۵ طلوع آفتاب ۵:۵۱



توافق آیدا و «بابک» برای انتشار جلد ۱۲ کتاب کوچه
مهرdad کاظم‌زاده (بابک)، مدیر انتشارات مازیار و صاحب امتیاز مجموعه «کتاب کوچه» اثر زنده‌یاد احمد شاملو، از برقراری توافقات و انتشار جلد دوازدهم این دایره‌المعارف فرهنگ عامیانه خبر داد. کاظم‌زاده ضمن بیان این خبر گفت: بالاخره با خانم آیدا به تفاهم رسیدیم اما قرار بر این شد، مکتوبات جلد دوازدهم، با وسواس بیشتری مورد بررسی قرار گیرد تا خللی در این دایره‌المعارف که نام بزرگ احمد شاملو را به یک‌دیگر می‌کشد، ایجاد نشود.

پرسش از فرهنگ

رابطه اقتصاد و فرهنگ چیست؟



ناصر فکوهی

یکی از پرسش‌هایی که می‌توان به درستی و به ویژه در جهان امروز مطرح کرد، رابطه میان موقعیت اقتصادی کنشگران، گروه‌ها و نظام‌های اجتماعی و موقعیت فرهنگی آنهاست. در شرایط باستانی و پیش‌صنعتی این رابطه به گونه‌ای متفاوت از جهان مدرن وجود داشت. فرهنگ در سنت اروپایی و تمدن‌های باستانی به صورت متمرکز و رسمیت‌یافته در حوزه سیاسی متمرکز بوده و به وسیله این حوزه جهت‌دهی و به همان میزان نیز پشتیبانی می‌شد. برای نمونه اگر نگاهی به دربارهای قرون وسطایی یا حتی تمدن‌های باستانی تر بیندازیم، می‌بینیم که هنرمند خواسته یا ناخواسته ناچار بود برای حاکمان و افراد وابسته به آنها دست به آفرینش هنری بزند و کمتر ممکن بود، بتواند هزینه‌های زندگی و هنر خود را از مردم عادی به دست بیابد. شاعران، نقاشان، صنعتگران و غیره همگی کمابیش زندگی و هنر خود را مدیون حمایت حاکمان بودند. با این وصف در خارج از حوزه سیاسی و در میان مردم عادی چه در نظام‌های تمدنی و چه در سایر جوامع انسانی، ما همواره با نوعی «هنر» سروکار داشتیم و داریم که تا پیش از قرن ۱۹ و تحت تاثیر رویکرد ویکتوریایی و اروپایی به فرهنگ، کمتر به آن «هنر» خطاب می‌شد، اما امروز تمایل زیادی وجود دارد که «مشروعیت» هنری به رسمیت شناخته شود. این «هنر مردمی» جایگاه خود را نه به مثابه «شیئی زیبا» بلکه به مثابه بخشی از زندگی متعارف این مردمان می‌یافت.

اما هر اندازه در سیر جوامع انسانی به پیش آمدیم، و به ویژه پس از صنعتی شدن و در دوران مدرن، هنر وابستگی بیشتری به حوزه اقتصادی و سیاسی یافت و این را باید در تضادی آشکار با نوعی گفتمان سطحی در نظر گرفت که با تکیه بر «سوز» مدرن از انفجار آزادی فردی سخن می‌راند. این تحول البته باید به صورت نسبی در نظر گرفته شود، زیرا فرآیندی موازی و معکوس با آن نیز در طول قرن بیستم در جریان بوده است. مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام پس از جنگ جهانی دوم بر آن تاکید می‌کرد که گسترش مصرف فرهنگی به گونه‌ای به گسترش و دموکراتیزه شدن هنر و فرهنگ می‌انجامد و آن را در اختیار همگان قرار می‌دهد. رسانه‌ها در نگاه این مکتب، ابزارهایی بودند که به بهترین وجه، می‌توانستند و می‌توانند رابطه را میان مردم در عام‌ترین معنای این واژه و فرهنگ ایجاد کنند. تلویزیون، رادیو، مطبوعات و امروزه اینترنت و امکانات مختلفی که انقلاب اطلاعاتی در اختیار همگان قرار می‌دهد، در واقع، نظام‌های جدیدی را می‌ساخته و می‌سازند که به صورتی متناقض هم امکان آزادی فرهنگ را از وابستگی به قدرت اقتصادی و سیاسی فراهم و هم وابستگی بیشتری را نسبت به آن حوزه‌ها ایجاد می‌کنند. با این همه، اگر نگاهی به روابط واقعی میان فرهنگ و اقتصاد که همواره قدرت سیاسی و هژمونیک را در پشت خود داشته‌اند، بیندازیم به سختی می‌توانیم منکر آن شویم که روند غالب از قرن بیستم تا امروز، سلطه تعیین‌کننده این قدرت‌ها بر حوزه فرهنگ به گونه‌ای فراینده بوده است.

ادامه دارد

برداشت آخر

خشایار اعتمادی:

فضیلت اخلاقی نوری زبازند بود



قرار است در مراسمی که به یادبود سالمرگ محمد نوری چهره محبوب موسیقی ایران برگزار می‌شود، خشایار اعتمادی و چند چهره شناخته‌شده دیگر موسیقی پاپ روی صحنه بروند. حرف‌های اعتمادی در مورد این برنامه و محمد نوری را بخوانید. ضمن اینکه متن کامل گفت و گو با خشایار اعتمادی را در روزهای آتی می‌خوانید.

❧ شما اجرائی دارید در برنامه‌ای که یادبود محمد نوری است، در مورد این برنامه توضیح می‌دهید؟

گویا این برنامه بعدا قرار است تبدیل شود به جام نوری؛ این افتتاحیه برنامه‌ای است که قرار است به یک جشنواره تبدیل شود، قطعاتی از دکتر سریر هست و تمام قطعات مرحوم نوری. نمی‌دانم بقیه همکارانم چه کسانی هستند، من قرار است یک یا دو ترک از کارهای خودم را بخوانم و یک ترک از کارهای آقای نوری را چون خودم در همراه کنسرت دارم ترجیح می‌دهم اجرای خودم فقط با پیانو باشد که یا سریر ساز می‌زند یا دختر ایشان یا خودم. من به احترام مرحوم نوری، پیشکسوتی مثل سریر که خیلی به ایشان ارادت دارم و برگزارکننده‌های این برنامه به ویژه فرهادی که خیلی دوست‌شان دارم، قبول کردم.

❧ آقای نوری را از نزدیک دیده بودید؟

بله، دو بار و آن چیزی که به نظرم در مرحوم نوری زبازند و خیلی خاص بود، فضیلت اخلاقی ایشان بود، حتی نگاه‌شان طوری نبود که حس کنی دارند

کلبه کوچک من

موسیقی در قرآن -۴-

اردشیر خرمکوب

مستقل است که از شأنی به شأن دیگر سربری می‌کشد. حالا درچه بعدی را می‌کشاییم، موسیقی در اینجا طعم دیگری پیدا می‌کند: «تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل و تخرج الحی من المیت و تخرج المیت من الحی و ترزق من تشاء بغیر حساب» در این آیه، بار معنایی هر کلمه، به غلیظ‌ترین وجه ممکن، به مدد موسیقیدان می‌رود تا با درکی عمیق از جابه‌جایی شب و روز و بیرون زدن زندگی از دل مرگ و مرگ از دل زندگی، به خلق اثری کم‌نظیر دست بزند. نیک می‌دانیم که در وادی ادبیات و در یک اثر ادبی، تکرار بی‌دلیل یک کلمه و یک مفهوم ویژگی‌رکن است و آن اثر را به قهقاری ضعف در می‌اندازد. اینجا چه؟ در همین دو آیه‌ای که شاهد آوردیم؟ مخاطب ادیب ما، به خالق این قطعه ادبی به ظاهر آمیخته به تکرار، جز آفرین چه بگوید؟ که در این دو آیه، اساسا تکراری در کار نیست، بلکه این آفرینش موج در موج است که در شاکله کلمه‌های تکراری، طلوع و غروب می‌کند، موسیقی، یکی از استعدادهای بطنی هستی است. هر تولد، هر زندگی، هر مرگ، هر بارش، هر طلوع، هر غروب، هر شکفتن، هر پژمردن، هر رویش، هر نعمت،

هر بلا، موسیقی خاص و ویژه‌ای برای خود دارد. به مفهوم معنایی و حتی ظاهری این جمله کوتاه دقت کنید: «تخرج الحی من المیت» ببینید تجسم لحظه به لحظه و مکرر و خستگی‌ناپذیر شکوفه زدن زندگی، آن هم از متن مرگ، چه تصویر بدیع، و چه حسی شریف و چه موسیقی شوق‌انگیزی را ابراز می‌کند! ادبیات در اینجا، توان ایستادن ندارد و به زانو درمی‌افتد. گویا زندگی از «خ» تخرج» آغاز می‌شود و با «هن» اله شتاب می‌گیرد و در «ت» میت» به کمال خود می‌رسد و درست هم‌پای همین هجاهای موسیقایی، جمله بعدی گل می‌کند. اینکه گفتم ادبیات در این دو جمله به زانو درمی‌آید، شاید منظورم تنها به واژگان بی‌بديل این جمله نباشد که واژگان موزون یک قطعه، اگر در خدمت معنا نباشند، گلستان لگدمالی را به نمایش می‌گذارند که گل‌هایش در فرار گله‌ای از گرازهای وحشی از کمر شکسته و درهم فروشده است. در جمله «تخرج الحی من المیت» هر چهار بیکر: «تخرج، الحی، من، المیت»، با مهندسی شگفتی به کار رفته‌اند. به‌خصوص «تخرج» و «من» بار سنگینی از معنا را با خود حمل می‌کنند. شاید در عرف ادبی، می‌شد به جای «تخرج»

از «جعل» و به جای «من» از «مع» سود برد. یا در معنای فارسی، به جای خارج کردن زندگی از دل مرگ، جاری کردن زندگی بعد از مرگ پسنداید. اما «خارج کردن»، آنچنان پتانسیلی از قدرت و انرژی با خود دارد که هر کلمه دیگری اگر به جای آن نشیند، هرگز یک چنین اقتداری را برنمی‌افزود. و یا: از، که، معنی فارسی «من» است، چنان مستقیم و بی‌اعوجاج شما را بر سر مقصد فرود می‌آورد که جزی به مرگ و زندگی رضایت ندهید. در یک چنین عرصه‌ای است که موسیقی با کلمه امتزاج پیدا می‌کند و هر دو دست به دست هم می‌دهند تا باری از معنای ژرف را به دوش بزنند. سر آخر، همه این جزئیات که با هم تبایی می‌کنند و از دل موسیقی و ادبیات و حس و تصویر سر بر می‌آورند، مخاطب را، یعنی انسان را، به آن خداوندی اشارت می‌دهند که یک چنین قدرتی دارد. این اشارت، هزار اشارت دیگر با خود دارد. یکی اینکه ای همه مردمان و حکومت‌ها و قدرت‌ها، با همه توان و استعداد و تکنولوژی‌ای که در اختیار دارید، دست به دست هم بدهید، ببینید می‌توانید مرگ را از دل زندگی و زندگی را از دل مرگ بیرون بکشید! دیگر این که ای انسان، خود تو، هر که هستی، در یکی از دو مقطع بوده‌ای و خواهی بود، یا اکنون زنده‌ای و از دل مرگ بیرون کشیده شده‌ای، یا در جای دیگر به کام مرگ فرو خواهی شد. آیا تمام شد؟ نه، تا باز از دل مرگ به دامن زندگی درافتی.

به عبارت دیگر

پشتوانه‌های ادیبانه گرافیک خط



احمد رضا دالوند

برداشت نمادگرایانه و سمبولیک از حروف از دیرباز در میان عرفا و شعرا رسم بوده است، به طوری که مثلا سین را به دندان‌های نیش، جیم و لام را به پیچ و تاب زلف و صاد به چشم ربط داده می‌شد.

لام به جای پا روی شن دلالت می‌کرد و گاه نیز به رابطه نزدیک دو نفر یا به الفت دو شخصیت متفاوت به کار می‌رفت. علی دیلمی در کتابی با عنوان جذاب: «تمایل الف ما لوف به لام مایل» (در حدود سال ۳۹۰ هجری قمری) نظرات خود را در باب عشق عرفانی تشریح کرد. پنج قرن بعد جامعی در کتاب «تحفه الاحرار»، طفلی دبستانی را چنین پند داد:

گرچه به خود نیست کج اندام الف/ببین که چه سان کج شده در لام الف
لوح خود آن‌دم که نهی برکنار/چون الف انگشت از آن برمدار
دال وش از شرم فکن سر به پیش/صاد صفت دوز بر آن چشم خویش
خنده‌زنان گاه به آنگه به این/رسته دندان منما همچو سین
دل مکن از فکر پریشان دو نیم/تنگ دهان باش ز گفتن چو میم

در ادامه چنین برداشت‌هایی نمادین از حروف است که بعدها شاعران بسیاری حرف «ه» در کلمه اه را طوری می‌نوشتند که گویی از دو چشمش اشک جاری بود. اما این تمهیدات فقط روی کاغذ و الواح نوشتاری صورت نمی‌گرفت و دامنه آن به تزئین اشیای مورد استفاده روزمره نیز کشانده می‌شد. نمونه کامل چنین هنری که هم جنبه تزیینی داشت و هم پشتوانه کلامی، روی کاسه‌ها و ظروفی دیده می‌شود که از سده سوم و چهارم هجری در نیشابور و سمرقند باقی مانده است. این سفالینه‌های منقوش را هنرمندانی طراحی کرده‌اند که متأثر از خوشنویسی اسلامی – ایرانی بودند و از کتابت و پیچ و خم‌ها و اوج و فرودهای خط کوفی آگاه بودند. آنها تجربه کتاب‌ارایی و همچنین طبع آزمایی شعرا و عرفا در برداشت نمادین از کلام را پشتوانه آثار کاربردی خود روی ظروف مورد استفاده روزانه مردم کردند. براین سفالینه‌ها، علاوه بر دعای خیر برای صاحب آنها، غالبا ضرب‌المثل‌ها و کلمات قصار نیز نوشته می‌شد. از این رو این سفالینه‌ها را می‌توان به عنوان تاریخ ادبیات نیز در نظر گرفت. در نمونه‌های مربوط به سده پنجم، برجستگی حرف «الف» چشمگیر است، زیرا اهمیت نخستین حرف الفبا در سنت عرفانی و شعری به این‌گونه است که الف برحسب «بجد» نماینده عدد «۱» و نشانگر یگانگی الهه است. در تعبیر بسیار متفاوت دیگری، حرف الف مرتبط با قامت باریک و رعنای محبوب نیز به کار رفته است. بسیاری از عرفا اظهار کرده‌اند که هرگز چیزی بیش از یک الف نیاموخته‌اند، چنانکه حافظ در بیت مشهور خود می‌گوید:

نیست در لوح دلم جز الف قامت یار/چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم.

برنامه اشپ، سینماهای:

فدس(۸۸۹۰۷۴۰۸)، آل لوی(۸۴۴۸۰)، فرهنگ(۴۴۰۰۲۰۸۸)، پردیس ملت(۳۳۱۶۲)، باریکه پاریان(۲۳۳۷۰۰۰۱)، پردیس زندگی(۲۴۸۸۴۰۸۴)، جوان(۲۴۴۴۴۰۷۰)، آسیرا(۲۳۷۱۲۰۴۲)، خاوران(۲۴۸۰۳۳۳۱)، موز سینما(۲۴۷۱۹۰۰۱)، پاریان(۲۴۴۳۱۹۱۹)، شکوفه(۳۳۵۱۴۷۰۰۱)، ایران(۷۷۶۴۱۱۳۸)، فلسطین(۶۶۶۶۳۲۶۹)، عصر جدید(۸۸۹۶۸۴۴۸)، مرکز(۶۶۹۴۸۸۵۸)، بهمن(۶۶۹۶۲۳۸۴)، جانا(۷۷۴۱۶۶۰۰)، شاهد(۷۷۸۱۵۵۷۴)، کارون(۶۶۳۷۳۰۱۲)، آسیا(۶۶۴۰۲۹۹۰)، ماهید(۳۳۳۳۹۰۹۴)، دهکده(۳۴۷۶۴۰۸۵)، شمش(۶۶۶۵۶۱۲۲)، مراکا(۵۵۶۰۷۰۷۰)

رقباعتاران، ویشکا آسایش، ملنی حقیقی، یکه آمکراتی، بهاره رهنما و...

کارگردان: امید جوان

تجهیز کننده: علی سرتینی

بهترین فیلم کمپی از نگاه تماشاگران از بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر

بهترین بازیگر نقش اول زن از بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر

تولید: اعتماد فیلم

بخش از فیلم‌های:

www.filmiran.com